

بسمه تعالی

تحلیلی بر وضعیت تحریم نفت ایران و بررسی سناریوهای برون رفت

نویسندگان:

دکتر علیرضا علی احمدی^۱

حامد نجفی جره^۲

چکیده

دول غربی با هدف تضعیف و ایجاد ناهنجاری های عمیق در اقتصاد ایران و در نتیجه تغییر رفتار و نرمش جمهوری اسلامی در مواجهه با نظام سلطه جهانی تا سرحد تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران، اقدام به طراحی و اعمال تحریم نفتی گسترده علیه ایران نموده اند. در این مقاله پس از رویدادنگاری تحریم های نفتی اعمال شده بر ایران، منطق حاکم بر تدوین و اجرای تحریم های نفتی بر اساس رویکرد تئوری بازی ها تبیین می گردد و پس از آن با بررسی اثرات تحریم نفت ایران بر اقتصاد جهانی، آمریکا و ایران سناریو های رویارویی با این پدیده تهدید آور مورد واکاوی قرار می گیرد. سناریوی اول اتخاذ سیاست های مذاکره و سازش به منظور لغو تحریم ها می باشد که بر همین اساس شرایط حقوقی لغو اصلی ترین تحریم های نفتی علیه ایران مورد بررسی قرار گرفته است در سناریوی دوم با فرض حفظ سهم ایران در بازار صادراتی جهان، راهکارهای دور زدن تحریم ها به اختصار مورد بررسی قرار می گیرد و در سناریوی سوم بر اساس مقاوم سازی اقتصاد و تلاش در جهت لغو واقعی تحریم ها، از یک منظر سیاست های مناسب به منظور کاهش اثرات شوک ناشی از کاهش درآمدهای نفتی، حاصل از تحریم نفت و کاهش صادرات نفت ایران ارائه می گردد و از منظر دیگر اقدامات لازم به منظور افزایش حداکثری فشار بر قیمت نفت به جهت افزایش هزینه های آمریکا مورد بررسی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: اقتصاد بدون نفت، اقتصاد مقاومتی، تحریم نفت، بودجه سالیانه

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جبهه مستضعفان و مظلومان جهان، دوقطبی جدیدی (قطب مستضعفین عالم به رهبری جمهوری اسلامی ایران و قطب نظام سلطه به رهبری آمریکا و اسرائیل) مبتنی بر مولفه های فکری و فرهنگی در سطح جهان شکل گرفت. در پی این صف آرایی جدید، دول غربی که موجودیت خود را در خطر می دیدند به طراحی روش های متنوعی جهت صدمه زدن به جمهوری اسلامی ایران برآمدند. یکی از مهمترین ابزارهایی که دنیای غرب خصوصا آمریکا و اروپا بدین منظور مورد استفاده قرار دادند استفاده از ابزار تحریم بود.

این تحریم ها در طول سی و چند سال گذشته در حوزه های متنوعی از جمله حوزه های تجاری، مالی و اطلاعاتی اعمال گردیده است. لکن تحریم در بخش نفت و گاز به طور ویژه در طول این سالها مورد توجه بوده، هم به جهت هدف قرار دادن درآمدهای

^۱ دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

^۲ فارغ التحصیل مهندسی نفت از دانشگاه صنعتی شریف و دانشجوی دکترا اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

حاصل از فروش نفت و گاز کشور (و افزایش ضربه پذیری ایران به جهت اقتصادی) هم با نگاه کنترل بازار انرژی جهت تامین امنیت انرژی غرب و ایجاد تعادل قیمتی.

اولین اقدام عملی غرب جهت تحریم نفتی ایران، بر می گردد به سال ۱۹۵۰ میلادی و پس از ملی شدن صنعت نفت ایران، که طی آن دولت بریتانیا ایران را مورد تحریم نفتی قرار داد و حتی با پیگیری های متعدد سعی کرد پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل نیز بفرستد. (Ferier, 1982: 454)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیز طی سالیان متمادی دولت آمریکا خرید و فروش نفت خام ایران و سرمایه گذاری در صنایع بالادستی و حتی پایین دستی مرتبط با آن را مورد تحریم قرار داد، لکن بعد از سال ۲۰۱۰ و در پی افزایش فشار به ایران جهت تعلیق فعالیت های هسته ای، تحریم نفتی ایران با شدت و تمرکز بیشتری از سمت آمریکا و اتحادیه اروپا مورد پیگیری قرار گرفت، آنچنانکه چندین قطعنامه جهت فلج ساختن صنعت نفت و گاز ایران، تصویب گردید. این مقاله سعی دارد تا با نگاهی تحلیلی تحریم های صورت گرفته را مورد واکاوی قرار داده و آثار آن را بر اقتصاد کشور مورد بررسی قرار دهد و نهایتاً راهکارهای کوتاه مدت و میان مدتی را در چارچوب اقتصاد مقاومتی جهت برون رفت از تحریم نفت جمهوری اسلامی ایران ارائه نماید.

۱. مروری بر تحریم های نفتی ایران

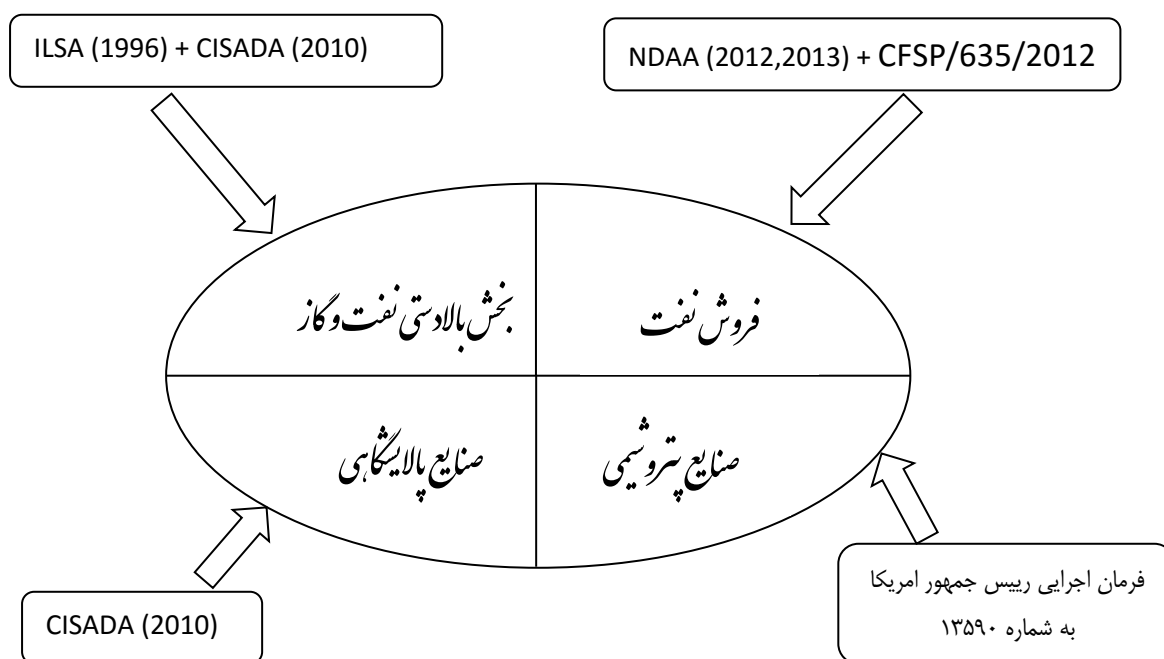
سابقه تحریم ایران بر می گردد به دوره ی نخست وزیری دکتر «محمد مصدق» طی سالهای ۱۹۵۰ میلادی و در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت، که دولت استعمارگر انگلستان از تحریم اقتصادی برای تغییر مواضع دولت ایران استفاده کرد. (همان) پس از آن در دوران پیروزی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، کشور همواره و به بهانه های مختلف در معرض تحریم های دنیای غرب قرار گرفته است. لکن در بررسی دقیق تر تحریم های صورت گرفته در بخش نفت و گاز اهم موارد به شرح ذیل می باشد:

«بیل کلینتون» رئیس جمهوری وقت آمریکا در سال ۱۳۷۴ (مارس ۱۹۹۵ میلادی) تمامی شرکت های آمریکایی را از سرمایه گذاری در توسعه ی منابع نفتی ایران در جزایر سیری، منع کرد. وی همچنین در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۴ (۶ مه ۱۹۹۵) با امضای دستورالعمل اجرایی^۳ ۱۲۹۵۷، تقریباً تمامی معاملات تجاری با ایران و سرمایه گذاری در کشور، را ممنوع اعلام کرد. کلینتون رئیس جمهور وقت آمریکا در ۲۹ شهریور ۱۳۷۴ (۲۰ سپتامبر ۱۹۹۵) با تصویب طرح داماتو اجازه یافت شرکت های غیر آمریکایی را که فناوری صنعت نفت را در اختیار ایران قرار می دادند، تحریم کند. قانون داماتو پس از ادغام با طرح "بنیامین گیلمن" رئیس صهیونیست کمیسیون روابط بین الملل مجلس نمایندگان آمریکا که محتوایی مشابه قانون داماتو داشت در قالب قانون مجازات ایران و لیبی در ۱۴ مرداد ۱۳۷۵ (۵ اوت ۱۹۹۶) در کنگره آمریکا تصویب شد و سپس به امضای کلینتون رسید و برای مدت پنج سال اجرا شد (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۲) این قانون که برای مدت ۵ سال مقرر شده بود در ۱۲ مرداد ۱۳۸۰ بار دیگر با تصویب کنگره و امضای «جرج بوش» تمدید شد.

³ Executive Order 12957

پس از سالهای ۲۰۱۰ و بر طبق قانون تحریم های جامع علیه ایران^۴ و فرمان اجرایی ۱۳۵۹۰^۵ رییس جمهور آمریکا، و همچنین تحریم های اتحادیه اروپا بر طبق مصوبات ۲۵ اکتبر ۲۰۱۰^۶ و همچنین مصوبه اخیر^۷ آن تحریم نفتی ایران ابعاد گسترده تری پیدا نمود. (کاتزمن، ۲۰۱۲) در ادامه تلاش می شود، با نگاهی تحلیلی ابعاد جزئی تر تحریم نفتی علیه ایران مورد تدقیق قرار گیرد.

نمودار ۱ خلاصه ای از مهمترین تحریم های اعمال شده توسط دول غربی در بخش نفت و گاز را نشان می دهد.



شکل شماره ۱. شمایی کلی از تحریم های ایالات متحده بر صنایع نفت و گاز ایران

۱.۱. روند توسعه تحریم ها

اگر عملکرد دنیای غرب در مواجهه با ایران مورد تحلیل قرار گیرد، دو محور ذیل به عنوان رویکردهای اصلی غرب در تحریم ایران دیده می شوند.

۱.۱.۱. رویکرد تحمیل و افزایش هزینه ها

در رویکرد اول، وضع تحریم های تجاری متنوع، ممنوعیت های مالی، تحریم اشخاص و نهادهای گوناگون سرلوحه برنامه های تحریمی غرب قرار گرفته است. این نوع تحریم ها بیشتر ناظر بر ورود کالا به ایران می باشد و سعی در

^۴Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Investment Act 2010

^۵The Executive Order (E.O.) 13590, 1th December 2011

^۶Council Regulation (EU) No 961/2010 of 25 October 2010

^۷Council Decision 2012/35/CFSP of 23 January 2012

افزایش هزینه های کشور در فرآیندهای تامین مواد اولیه، تجهیزات، کالاهای نیمه ساخته، کالاهای نهایی و ... خصوصا در بخش های نظامی و هسته ای دارد.

۱,۱,۲. رویکرد کاهش درآمد

در این بخش که اخیرا با وضع تحریم های نفتی علیه ایران شدت بیشتری پیدا کرده است، هدف تحریم کنندگان کاهش منابع درآمدی کشور به منظور کاهش توان کشور در تامین هزینه های ناشی از افزایش تحریم های می باشد. این نوع تحریم ها بیشتر ناظر بر کالاها و مواد اولیه ای است که از ایران صادر می شود. توجه غرب در وضع تحریم های این چینی، تامین مالی فعالیت های هسته ای و نظامی ایران توسط بخشی از این منابع درآمدی است. (قطعنامه

۶۳۵ اتحادیه اروپا و قانون اختیارات دفاع ملی آمریکا برای سال مالی ۲۰۱۲)

لازم به ذکر است که این دسته از تحریم ه ا، از حوزه تحریم های هوشمند خارج شده و بخش وسیع تری از اقتصاد کشور را دربر می گیرد. با توجه به دولتی بودن اقتصاد کشور و سهم حدود ۵۰٪ منابع نفتی در منابع درآمدی بودجه، ایجاد نوسانات در این حوزه احتمالا منجر به بروز مشکلات متعددی در بخش های تولید، صنعت و ... می گردد.

جدول ۱ مهمترین تحریم های اعمال شده علیه ایران توسط آمریکا و اتحادیه اروپا را با مضامین نفتی در سال ۲۰۱۲ نشان می دهد. (iran project,2012)

ردیف	شماره قطعنامه (عنوان)	تاریخ تصویب	نهاد تصویب کننده
۱	قانون تجویز دفاع ملی آمریکا برای سال ۲۰۱۲ (NDAA)	۳۱ دسامبر ۲۰۱۱	کنگره آمریکا
۲	CFSP/35/2012	۲۳ ژانویه ۲۰۱۲	اتحادیه اروپا
۳	افزایش تحریم های ایران	۱۲ جولای ۲۰۱۲	وزارت خزانه داری آمریکا
۴	قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه ۲۰۱۲	۱ آگوست ۲۰۱۲	کنگره آمریکا
۵	CFSP/635/2012	۱۵ اکتبر ۲۰۱۲	اتحادیه اروپا
۶	متمم قانون دفاع ملی آمریکا برای سال ۲۰۱۳ (قانون آزادی ایران و مقابله با اشاعه ۲۰۱۲)	۳۰ نوامبر ۲۰۱۲	سنا و کنگره آمریکا

جدول شماره ۱. مهمترین قوانین تحریمی (در بخش نفت و گاز) در سال ۲۰۱۲

در جداول ذیل مهمترین مفاده تحریم های فوق آورده شده است

ردیف	مهمترین مفاد
۱	ممنوعیت ادامه فعالیت بانک هایی در آمریکا که با بانک مرکزی ایران مبادله می نمایند
۲	تحریم بانک های مرکزی کشورها در صورتی که معاملات نفتی با ایران داشته باشند
۳	امکان معافیت برای کشورهایی که خرید نفت خود از ایران را به مقدار قابل توجه کاهش دهند

جدول شماره ۲. قانون تجویز دفاع ملی آمریکا برای سال ۲۰۱۲ (NDAA)

ردیف	مهمترین مفاد
۱	هیچ گونه قرار داد جدیدی برای خرید نفت ایران بسته نشود و قراردادهای موجود تا اول جولای ۲۰۱۲ تمام شود.

۲	عدم تجارت با ایران در زمینه طلا، فلزات گرانبها، الماس و محصولات پتروشیمی
۳	بلوکه شدن دارایی های بانک مرکزی
۴	ممنوعیت ارائه خدمات بیمه به کشتی های حامل نفت و مواد پتروشیمی
۵	ممنوعیت تجارت با تایید واتر

جدول شماره ۳. قانون اتحادیه اروپا به شماره CFSP/35/2012

ردیف	مهمترین مفاد
۱	ممنوعیت هرگونه معامله با بخش انرژی ایران
۲	قرار دادن بخش انرژی ایران به عنوان منطقه نگران کننده گسترش سلاح های هسته ای ^۸
۳	توسعه تحریم های ISA به زیرساخت های مرتبط با انرژی، تولیدات پالایشگاهی و پتروشیمی

جدول شماره ۴. قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه ۲۰۱۲

ردیف	مهمترین مفاد
۱	ممنوعیت خرید، واردات یا انتقال گاز طبیعی از ایران
۲	ممنوعیت فروش، عرضه و انتقال گرافیت، فلزات خام و نیمه ساخته و نیمه فراوری شده چون الومینیوم و فولاد و نرم افزارهای یکپارچه سازی فرآیندهای صنعتی به صناعی که مرتبط با سپاه شناخته شوند
۳	ممنوعیت ارائه هرگونه حمایت مالی در تجارت با ایران (چون هرگونه ضمانت نامه یا بیمه های اعتبار صادراتی)
۴	ممنوعیت فروش، عرضه و انتقال تجهیزات دریانوردی در حوزه ساخت، نگهداری و تعمیرات (کشتی های باری و نفتکش ها)
۵	ممنوعیت هرگونه مبادله بین اتحادیه اروپا و بانک ها یا موسسات مالی ایرانی یا منتسب به ایران به ارزش بیش از ۱۰ هزار یورو مگر در صورت اخذ مجوز
۶	ممنوعیت ارائه خدمات طبقه بندی و پرچم به تانکرهای نفتی و کشتی های حمل کالا
۷	تحریم ۲۹ شرکت فعال در حوزه انرژی کشور

جدول شماره ۵. تحریم ۱۵ اکتبر اتحادیه اروپا

ردیف	مهمترین مفاد
۱	نهادهای مرتبط با بخش انرژی، کشتیرانی، کشتی سازی و اداره بنادر در ایران به عنوان نهادهای نگران کننده گسترش سلاح های هسته ای تعیین شده اند و باید دارایی آنان نیز مسدود گردد.
۲	تحریم افراد یا نهادهایی که به فروش، تامین تجهیزات و یا نقل و انتقال محصولات و خدمات در بخش های فوق بپردازند
۳	تحریم افراد یا نهادهایی که به فروش، تجهیز و یا نقل و انتقال فلزات گرانبها، گرافیت، فلزات خام و نیمه ساخته ای مانند آلومینیوم و فولاد، زغال سنگ و نرم افزارهای یکپارچه سازی صنعتی بپردازند
۴	اعمال تحریم در مورد افراد یا نهادهایی که به ارائه هرگونه خدمات بیمه یا بیمه اتکایی برای فعالیت های تحریمی ایران بپردازند.

^۸ هرگونه معامله مالی با این نهادها و یا در این بخش ها می تواند شرایط اعمال تحریم را برای مشارکت کنندگان در این معاملات فراهم آورد

۵	مجاز بودن خرید و فروش در حوزه نفت خام به شرطی که: ۱. درآمد حاصل از آن تنها صرف تجارت کالا و خدمات مجاز و غیر تحریمی گردد. ۲. هرگونه خرید و فروش نفت ایران با اجازه دولت آمریکا و تنها در بانک هایی که مجاز شمرده شوند انجام پذیرد و این پول قابلیت جابجایی به سایر کشورها را ندارد
۶	ارائه گزارش در مورد تمام کشتی هایی که وارد بنادر ایران می شوند و تمام هواپیماهای ایرانی که در فرودگاه های جهان فرود می آیند

جدول شماره ۶. قانون آزادی ایران و مقابله با اشاعه ۲۰۱۲

این تحریم ها از سه ابزار اصلی جهت مختل نمودن فرآیند تجارت نفت و گاز ایران استفاده می نمایند.

۱. ایجاد اختلال در بازاریابی و فروش مستقیم نفت و گاز

۲. ایجاد اختلال در حمل و نقل نفت خام

۳. تحریم بیمه کشتی ها

۲. منطق حاکم بر تدوین و اجرایی سازی تحریم های نفتی

۲.۱. از تحریم های هوشمند^۹ تا جنگ اقتصادی^{۱۰}

واژه "جنگ اقتصادی" در مواجهه ایران و غرب، اولین بار توسط مارک دوبوینتز^{۱۱} در مقاله ای تحت عنوان پیکار با ریال مطرح شد. وی در آن مقاله عنوان داشت که با اعمال تحریم های نفتی، غرب از تحریم های اقتصادی هوشمند به جنگ اقتصادی وسیع چرخش کرده است. (دوبوینتز، ۲۰۱۲)

برهمن اساس، هدف اصلی در قوانین مرتبط با تحریم نفت ایران "کاهش شدید در درآمد ارزی ایران، بدون آسیب دیپلماتیک یا واکنش نامطلوب از سوی بازار نفت" عنوان گشته است. با توجه به استراتژی فوق و بر اساس تفسیر نمایندگان کنگره از قانون تجویز دفاع ملی آمریکا در سال ۲۰۱۲ کشورهایی که ۱۸٪ از مجموع مبلغ پرداختی(نه حجم خرید) خود به ایران را کاهش دهند مشمول معافیت تحریم ها میگردند. (دوبوینتز، ۲۰۱۱)

بنابراین آمریکا به دنبال آن است تا از طریق ایجاد یک انحصار چندجانبه خرید ارزش نفت ایران را کاهش دهد. از طرفی عدم بیمه نفتکش ها و اجاره کشتی به ایران برای حمل و نقل هزینه های ایران را در فروش نفت بالا میبرد و از طرف دیگر درخواست تخفیف از کشورها ارزش نفت ایران را کاهش میدهد و بدین ترتیب بدون اینکه آسیب جدی در طرف عرضه نفت به بازار وارد آید درآمدهای ایران کاهش یافته است. بنابراین پیگیری و تشدید تحریم ها در این حوزه مستلزم تغییرات آهسته در قیمت نفت و تناسب بین تقاضا، عرضه و همچنین ذخیره نفت خام است.

⁹ Smart(Target) Sanction

¹⁰ Economic Warfare

¹¹ Mark dubowitz

حساسیت آمریکا به تغییرات قیمت نفت، مصرف بیش از اندازه آمریکا از نفت خام میباشد. آمریکا حدود ۱۸.۹۴۹ میلیون بشکه در روز نفت خام مصرف می نماید و یکی از فاکتورهای اصلی در رشد اقتصادی این کشور و همچنین سایر کشورها میزان استفاده از این ماده است. آنچنانکه افزایش ۴۰٪ در قیمت نفت خام بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول می تواند منجر به کاهش ۱,۲۵ درصدی در رشد اقتصادی آمریکا گردد. (گزارش چشم انداز اقتصاد جهان، ۲۰۱۲)^{۱۲}

۲.۲. ناتوانی آمریکا از اعمال نظارت سیستمی

آنچه که در روند اعمال و اجرایی سازی تحریم ها دیده میشود، تغییر رفتار آمریکا است. در تحریم های مالی و تجاری به دلیل وجود زیر ساخت های اطلاعاتی شفاف و در دسترس، تحریم های یک جانبه آمریکا به سادگی قابل نظارت و کنترل بود. به عنوان مثال وجود فرآیند تسویه توسط بانک مرکزی آمریکا به راحتی اطلاعات نقل و انتقالات مالی توسط نهادها و افراد ایرانی را فاش می نمود. لکن در تحریم های اخیر با توجه به گستردگی اعمال تحریم ها و نبود سازوکار و بستر قبلی جهت کنترل و نظارت بر اجرای مصوبات، آمریکا رویکرد تعامل با سایر کشورها را دنبال می نماید. مفاد موجود در مصوبه اخیر سنای آمریکا (معروف به قانون اختیارات دفاع ملی آمریکا در سال ۲۰۱۳)^{۱۳} نیز این مساله را به خوبی نمایان می سازد. بنابراین جهت اجرایی سازی تحریم های اعمالی غرب بسته های از اقدامات سیاسی- اقتصادی طراحی شده است و دستگاه دیپلماسی غرب وظیفه سنگینی را به عهده دارد. شاید بتوان اعمال تحریم هایی با محتوای حقوق بشری و حمایت از تروریسم را در ماه های منتهی به سال ۲۰۱۳ را در همین راستا توضیح داد.

در حوزه اقتصادی نیز کارشناسان آمریکایی از مکانیزم تئوری بازی ها^{۱۴} برای الزام اجرا شدن مصوبات تحریمی این کشور کمک می گیرند و بنابراین سعی دارند تا تحریم ها را طوری طراحی کنند که کشورهای ثالث درگیر تجارت با ایران منفعی را از اعمال تحریم های گسترده تر بر ایران بدست آورند.

اما سوال اصلی اینجاست که بر اساس چه معیاری آمریکا تحریم ها را خصوصا در حوزه ها درآمد های ارزی ایران (نفت) افزایش خواهد داد؟ یکی از نکات اصلی در تحلیل رفتارهای سیاسی غرب، بررسی سود و زیان اینگونه رفتارها بر منافع اقتصادی آن کشورها می باشد و تحریم نفت ایران با توجه به نقش پر اهمیت ایران در تولید نفت دنیا می تواند منافع کشورهای غربی را از طریق افزایش قیمت نفت و به طبع آن فرآورده های نفتی مورد تاثیر قرار دهد.

۳. بررسی آثار و پیامدهای تحریم نفت

نفت یکی از منابع مهم درآمدی برای کشورهای صادرکننده نفت و همچنین ماده خام اصلی در فرآیند تولید در کشورهای واردکننده نفت می باشد. نوسان های قیمت نفت میتواند موجب بی ثباتی در متغیرهای کلان در هر دو گروه از کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت شود. این مسئله به ویژه با اولین نوسان شدید قیمت نفت که امروزه به اولین شوک نفتی در سال ۱۹۷۳ معروف است، مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. این پدیده در دنیای کنونی آثار متفاوتی بر اقتصاد کشورهای جهان به ویژه کشورهای عمده فروشنده نفت داشته است. (اقبال و حلاقی، ۱۳۸۴)

^{۱۲} گزارش چشم انداز اقتصاد جهانی صندوق بین المللی پول در سال ۲۰۱۲

^{۱۳} National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2013

^{۱۴} Game Theory

از طرفی ایران دارای ۱۱ درصد از ذخایر نفت جهان و دومین تولید کننده در میان سازمان کشورهای صادر کننده نفت خام (OPEC 2009)^{۱۵} می باشد، به طوری که براساس اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۸۰ تا ۹۰ درصد کل درآمد صادرات و ۵۰ تا ۴۰ درصد بودجه ی سالیانه ی دولت، از صادرات نفت تأمین می شود؛ به علاوه فروش نفت، بالغ بر ۲۰ درصد GDP ایران می باشد؛ بر این اساس اقتصاد ایران به صورت گسترده ای به صادرات نفت خام وابسته بوده و شوک بازارهای جهانی نفت می تواند اثری بزرگ بر ساختار اقتصادی ایران داشته باشد؛ به غیر از اثرات نوسانات قیمت نفت بر روی وضعیت برنامه های رفاهی دولت، افزایش ارزش نرخ ارز در طول دوره های افزایش قیمت نفت، می تواند منجر به انقباض بخش های قابل تجارت شود؛ این حادثه به عنوان بیماری هلندی شناخته شده است (کوردن و نری^{۱۶}، ۱۹۸۲؛ کوردن^{۱۷}، ۱۹۸۴؛ وینبرگن^{۱۸}، ۱۹۸۴)؛ بنابراین به منظور جلوگیری از بروز بحران های اقتصادی و استفاده از فرصت های بالقوه ی به وجود آمده، بررسی اثرات دقیق تغییر قیمت جهانی نفت (یا کاهش درآمدهای نفتی ایران در اثر تحریم ها) بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران و طراحی سیاست های اقتصادی مناسب به منظور حفظ ثبات اقتصادی، ضروری به نظر می رسد.

از طرفی تحریم های اعمال شده بر ایران خصوصا بعد از سال ۲۰۱۱ تأثیرات بسزایی در درآمدهای نفتی دولت گذاشته که قطعاً آثار قابل توجهی در متغیرهای اقتصاد کلان به جا خواهد گذاشت، بنابراین تدوین برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی و تنظیم بودجه های سالانه کشور مستلزم شناخت و انجام پیش بینی های دقیق از میزان تأثیرگذاری نوسان های قیمت نفت بر متغیرهای کلان اقتصادی می باشد به گونه ای که برنامه ریزان بتوانند هنگام بروز شوک های نفتی، تأثیر منفی آن را بر متغیرهای کلان به حداقل ممکن کاهش دهند و سیاست های صحیحی را اتخاذ نمایند. از سوی دیگر یکی از ارکان اصلی در اجرایی سازی تحریم های نفتی بر ایران توسط ایالات متحده عدم تغییرات جدی در قیمت های نفت خام است. آمریکا با مصرف حدود ۱۸,۹۴۹ میلیون بشکه در روز بزرگترین مصرف کننده جهان میباشد (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۱۲) و بروز یک شوک در قیمت های جهانی نفت قطعاً تأثیرات بسزایی در متغیرهای اقتصاد کلان آمریکا چون رشد اقتصادی به جای می گذارد. علاوه بر محدودیت برای ایران در دسترسی به بازارهای بین المللی انرژی به شکل رسمی، بازار نفت به دلیل عدم امید به کشف منابع جدید، کمبود سرمایه گذاری در تولید نفت و گاز به ویژه در اوپک، رشد تقاضای نفت کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور و بحران های سیاسی و نظامی در سطح جهان مورد توجه قرار گرفته است و با توجه به نوسان های قیمت نفت و بی ثباتی در بازار نفت جهانی، مطالعه شوک های قیمتی نفت و اثرات آن بر اقتصاد کلان بایستی مورد توجه اقتصاددانان قرار گیرد. بنابراین بررسی اثرات یک شوک قیمتی در نفت خام از دو منظر برای کشور حائز اهمیت است. اولاً آثار تغییرات قیمت نفت ایران و نهایتاً درآمدهای نفتی بر اقتصاد کلان سنجیده می شود و ثانیاً هزینه های حذف ایران از بازار جهانی نفت و گاز بر اقتصاد کلان آمریکا به شکل دقیق تری مورد بررسی قرار می گیرد. در ادامه برخی از مهمترین مطالعات انجام شده در حوزه داخلی و خارجی تبیین خواهد شد.

¹⁵ Organization of Petroleum Exporting Countries.

¹⁶ Corden and Neary.

¹⁷ Corden.

¹⁸ Wijnbergen

۳,۱. بیان ضرر و زیان های اقتصاد جهانی از اعمال فشار بر ایران

اندیشکده «اتحادیه دانشمندان آمریکا» (FAS^{۱۹}) در یک گزارش راهبردی ضمن ارزیابی واکنش‌های ممکن آمریکا نسبت به چالش هسته‌ای ایران، به تخمین هزینه هر یک از این گزینه‌ها برای اقتصاد جهانی پرداخته و کم‌هزینه‌ترین انتخاب را پایش گذاشتن آمریکا برای اثبات و نمایش تمایل خود به مصالحه با ایران می‌داند. (بلیر و همکاران، ۲۰۱۲)

در این گزارش ۶ سناریو مورد بررسی قرار گرفته است و ذیل هر یک تخمینی از آثار کلی اقدامات آمریکا علیه ایران بر اقتصاد جهانی ارائه شده است که در یک سر آن سود تقریبی ۶۰ میلیارد دلاری، و در انتهای دیگر، هزینه‌ای برابر با ۱/۷ تریلیون دلار قرار دارد. در ادامه خلاصه‌ای از هر یک از سناریوها و هزینه احتمالی آن آورده شده است.

سناریوی اول - فشار فزاینده^{۲۰}: آمریکا ترجیح می‌دهد تا با اعمال دور تازه‌ای از تحریم‌ها، تمام بانک‌های خارجی -چه دولتی و چه خصوصی- را که به «هر شکلی» با بانک مرکزی ایران وارد معامله شوند، مجازات کند. هزینه میانگین چنین اقدامی برای اقتصاد جهانی به طور تقریبی ۶۴ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شده است.

سناریوی دوم - انزوا و محاصره خلیج فارس^{۲۱}: در کنار دیگر اقدامات، آمریکا هر نوع واردات فرآورده‌های پالایش‌شده نفتی، گاز طبیعی، خدمات و تجهیزات انرژی از ایران را متوقف می‌کند. سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران، در سرتاسر دنیا ممنوع می‌شود. هزینه میانگین چنین اقدامی برای اقتصاد جهانی به طور تقریبی ۳۲۵ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شده است.

سناریوی سوم - حملات دقیق^{۲۲} [حملاتی موضعی برای نابود کردن اهداف نظامی با وارد آوردن کمترین خسارات ممکن به تاسیسات اطراف]: آمریکا چند «حمله دقیق» را در قالب مبارزات محدود و کنترل‌شده‌ای از سوی نیروی هوایی و نیروهای ویژه، علیه تاسیسات هسته‌ای و مراکز خاص و تهدیدآمیز نظامی ایران تدارک می‌بیند. هزینه میانگین چنین اقدامی برای اقتصاد جهانی به طور تقریبی ۷۱۳ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شده است.

سناریوی چهارم - بمباران وسیع^{۲۳}: آمریکا یک مبارزه هوایی جاه‌طلبانه را تدارک می‌بیند که نه تنها تاسیسات هسته‌ای خاص و تهدیدآمیز ایران را، که برای کاهش توان تهران در دست بردن به اقدامات تلافی‌جویانه، دیگر سرمایه‌های نظامی این کشور را نیز هدف قرار داده است. هزینه میانگین چنین اقدامی برای اقتصاد جهانی به طور تقریبی ۱/۲ تریلیون دلار آمریکا تخمین زده شده است.

سناریوی پنجم - حمله تمام‌عیار^{۲۴}: آمریکا تصمیم می‌گیرد که به ایران حمله، این کشور را اشغال و آن را به طور کامل خلع سلاح کند. هزینه میانگین چنین اقدامی برای اقتصاد جهانی به طور تقریبی ۱/۷ تریلیون دلار آمریکا تخمین زده شده است.

¹⁹ Federation of American Scientists

^{۲۰} Increasing Pressure

²¹ Isolation and Persian Gulf Blockade

²² Surgical Strikes

²³ Comprehensive Bombing Campaign

²⁴ Full-Scale Invasion

سناریوی ششم- تنش‌زدایی^{۲۵}: رئیس‌جمهور [آمریکا] با انتخاب یک رویکرد جدید برای حل بن‌بست هسته‌ای ایران، اقدامات اعتمادساز یک‌جانبه‌ای را برای نمایش اشتیاق آمریکا به مصالحه با این کشور صورت دهد. سود میانگین چنین اقدامی برای اقتصاد جهانی به طور تقریبی ۶۰ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شده است.

۳,۲. ارزیابی آثار تحریم نفت ایران بر آمریکا

قطعا یکی از مهمترین مسائل در ارزیابی اثرات استراتژی تحریم نفت ایران و تشدید آن، اثراتی است که بر اقتصاد آمریکا می‌گذارد. فلذا به جهت ارزیابی دقیق این مساله ابتدا چارچوب تحلیلی معماران تحریم ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس آثار تغییرات قیمت نفت (و بروز یک شوک نفتی) بر متغیرهای کلان اقتصاد آمریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳,۲,۱. ارزیابی منافع و هزینه های آمریکا از اعمال تحریم ها

در سال ۲۰۱۲ گزارشی تحت عنوان "منافع و هزینه های تحریم ایران" توسط جمعی از اندیشمندان نظامی، اقتصادی و سیاسی آمریکا تهیه گردید. جدول شماره ۷ خلاصه ای از منافع و هزینه های از اعمال و تشدید تحریم ها علیه ایران را نشان میدهد. همانطور که مشخص است، جدی ترین عنصر مخرب بر اقتصاد آمریکا، مبحث عرضه جهانی انرژی می باشد که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

ردیف	اثر تحریم	شرح
۱	منافع	تضعیف روند توسعه برنامه هسته ای ایران
۲		تضعیف اقتصاد ایران
۳		نارضایتی نخبگان و مردم ایران از شرایط اقتصادی
۴		تغییر احتمالی راهبرد مذاکرات هسته‌ای ایران
۵		تغییر توازن نظامی منطقه بر خلاف منافع ایران
۶	هزینه ها	بروز مناقشه بین آمریکا و متحدانش و کشورهایی چون روسیه، چین، هند، ترکیه و کره جنوبی
۷		ایجاد بیزاری بلند مدت بین مردم ایران و آمریکا
۸		از دست دادن بازار و آثار مخرب اقتصادی بر آمریکا، متحدان اروپایی و خاورمیانه ای آن
۹		آثار مخرب بر عرضه جهانی انرژی و بر ثبات بازار بین المللی انرژی

جدول شماره ۷. منافع و هزینه های دول غربی از اعمال تحریم ها

۳,۲,۲. اثرات بروز یک شوک نفتی بر اقتصاد امریکا

دانشمندان به این نتیجه دست یافتند که بین قیمت های نفت و متغیرهای اقتصادی یک ارتباط تئوریک وجود دارد. بی ثباتی قیمت های نفت عکس العمل منفی بر اقتصاد کلان کشورهای واردکننده نفت دارد و یک شوک افزایش قیمت نفت به عنوان یک شوک منفی عرضه، منحنی عرضه کل اقتصاد را به سمت عقب و چپ شیفت می دهد

بنابراین، هم افزایش در سطح قیمت ها و هم یک کاهش در محصول و اشتغال را بوجود می آورد (استارتز، دورنبوش، فیشر)^{۲۶}

اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان، افزایش شدید در قیمت نفت باعث پایین آمدن رشد اقتصادی و افزایش تورم در کشورهای واردکننده نفت می شود. این موضوع را می توان از جنبه های متفاوتی تحلیل نمود. از یک سو، افزایش قیمت نفت باعث کمیابی انرژی به عنوان ماده اولیه برای تولید بنگاه ها شده که این مطلب عامل افزایش هزینه بنگاه ها و کاهش سود آنها می باشد. بنابراین، کاهش تمایل بنگاه ها برای خرید کالاهای سرمایه ای جدید را در پی خواهد داشت که این امر در بلندمدت منجر به کاهش در ظرفیت تولیدی بنگاه های اقتصادی در کشورهای صنعتی می شود. این موضوع بیانگر کاهش عرضه کل و افزایش سطح قیمت ها است.^{۲۷}

از سوی دیگر، اگر مصرف کنندگان انتظار افزایش موقتی در قیمت انرژی را داشته باشند، ممکن است تصمیم بگیرند تا پس انداز کمتری داشته باشند که این موضوع کاهش در تعادل حقیقی و افزایش بیشتر قیمت ها را موجب می شود. به دلیل اینکه نفت یک عامل تولید در بیشتر بخش ها و صنایع است، افزایش در قیمت های نفت، هزینه تولید شرکت ها را افزایش داده و در نتیجه باعث کاهش در محصول کشورهای وارد کننده نفت می شود (سانچز، جیمenez رودریگز، ۲۰۰۵)^{۲۸}

۴. ارزیابی آثار ناشی از تحریم های نفتی بر اقتصاد ایران

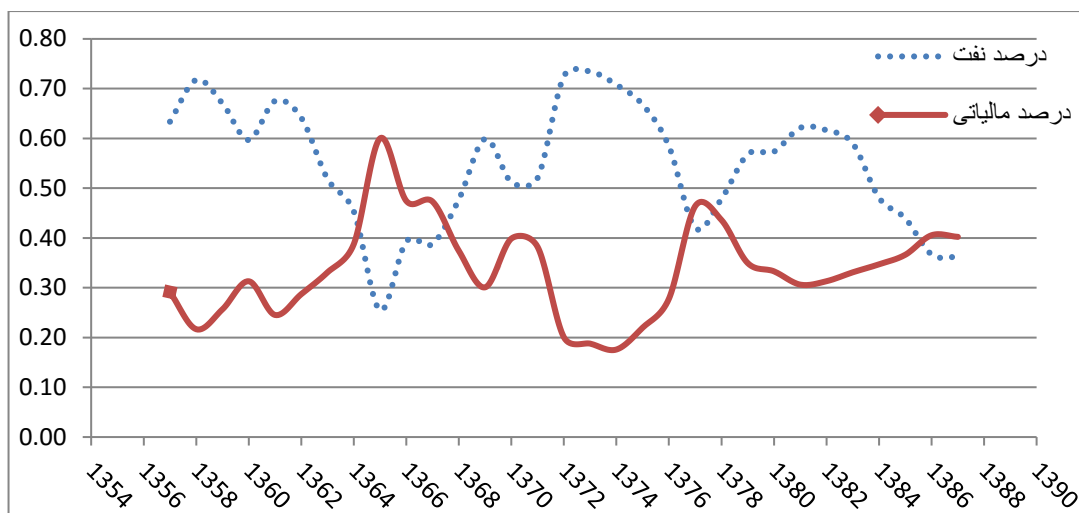
۴.۱. ارزیابی نوسانات درآمدهای نفتی بر متغیرها کلان اقتصادی

در بعضی کشورها منابع درآمدی دیگری نیز برای تامین مالی دولت ها وجود دارند. منابع طبیعی و مواد معدنی از جمله مهمترین منابع تامین مالی در اینگونه موارد است، در ایران نیز طی ۱۰۰ سال گذشته، همواره یکی از مهمترین منابع تامین مالی دولت، منابع حاصل از فروش نفت خام بوده است. شکل زیر درصد منابع نفتی و مالیاتی دولت را از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷ نشان می دهد. (بانک اطلاعاتی سری های زمانی بانک مرکزی)

²⁶ Startz, Dornbush, Fisher

²⁷ Manera & Cologni

²⁸ Jimenez-Rodriguez, R. & M. Sanchez(2005)



شکل شماره 2. درصد منابع درآمدی دولت از نفت و مالیات

همانطور که ملاحظه می شود به طور متوسط ۵۰٪ منابع درآمدی دولت به منابع حاصل از فروش نفت خام بستگی دارد. لکن به علت اینکه عمده درآمدهای حاصل از فروش نفت خام به شکل ارزی می باشد حضور بی قاعده این درآمدها در اقتصاد، مشکلات و ناهنجاری هایی را ایجاد می نماید

هدف از تحریم های اعمال شده بر حوزه نفت و گاز، کاهش درآمدهای نفتی ایران و آسیب پذیری اقتصاد کشور از این منظر خواهد بود. به همین جهت طراحی آمریکایی ها بگونه ای بوده است که قیمت نفت ایران (و نه قیمت جهانی نفت) دچار کاهش شده و همزمان و به تدریج فروش نفت ایران در بازارهای جهانی نیز کاهش یابد تا از یک سو درآمدهای ایران را از محل فروش نفت به شدت کاهش دهد و از طرف دیگر تا حد ممکن موجب تنش و شوک در بازار جهانی نفت نگردد. مطالعات صورت گرفته در حوزه اثر درآمدهای نفتی و تغییرات آن در حوزه اقتصاد کشورها بیشتر مشتمل بر بررسی اثر شوک های نفتی بر اقتصاد سنجیده شده است و بیشتر هم مشتمل بر مطالعاتی پیرامون شوک مثبت نفتی است، لکن در مورد شوک های منفی نیز محاسباتی صورت پذیرفته است. در ادامه پاره ای از مطالعات صورت گرفته تبیین می گردد. به طور قطع بخشی از آثار تحریم بر اقتصاد ایران، می تواند از طریق بررسی اثرات شوک های منفی نفتی بر متغیرهای کلان اقتصاد مورد بررسی قرار گیرد.

یکی از مسائلی که در مورد درآمدهای نفتی و یا به شکل مشخص تر شوک های درآمد نفت مطرح است، عدم تقارن مربوط به شوک های مزبور است. در این زمینه این اعتقاد مطرح است که بروز شوک های منفی نفتی به شدت موجب کاهش سطح فعالیت های رایج اقتصادی و کاهش تولید می شود.

در هنگام کاهش قیمت نفت و درآمدهای ارزی، با توجه به انعطاف ناپذیری که در مورد مخارج جاری وجود دارد، عموماً کاهش یکسانی در مخارج جاری دولت به وقوع نمی پیوندد. زیرا عملاً امکان کاهش قابل ملاحظه امکانپذیر نبوده و عموماً در این شرایط از میزان بودجه عمرانی دولت کاسته خواهد شد که این کاهش بر سرمایه گذاری، اشتغال و تولید در بخش های گوناگون اقتصادی مستقیماً اثر گذار است. علاوه بر این بسیاری از طرحهای سرمایه گذاری با کمبود منابع لازم جهت اتمام آنها مواجه خواهند گردید و این مطلب موجب ایجاد نوعی عدم کارایی در اقتصاد نیز خواهد گردید (مهرآرا ۲۰۰۸)^{۲۹}

همچنین با توجه به افزایش تقاضای کل بواسطه تزریق ارز حاصل از صادرات نفت و نتیجتاً افزایش نرخ تورم، عموماً یکی از راهکارها در جهت مقابله با تورم افزایش میزان واردات (به ویژه در مورد کالاهای قابل مبادله) است. با افزایش واردات که عموماً به منظور مقابله با تورم انجام می پذیرد بسیاری از بخش های تولیدی با آسیب جدی مواجه شده و از چرخه تولید خارج خواهند شد و لذا بخشی از سرمایه گذاری های انجام شده در اقتصاد بلا استفاده مانده و میزان تولید کاهش یافته و بیکاری نیز افزایش می یابد. در مقابل به هنگام کاهش درآمدهای ارزی میزان واردات نیز کاهش می یابد که بخشی از کاهش واردات متوجه کالاهای سرمایه ای و ماشین آلات تولیدی خواهد بود و منجر به کاهش سرمایه گذاری، تولید و اشتغال می گردد. بخشهایی نیز که در نتیجه واردات گسترده کالاهای مصرفی در دوره افزایش درآمد نفت از گردونه تولید خارج شده بودند، در این دوره احیا نخواهند شد. لذا در کل اینگونه می توان بیان نمود که اثرات شوک های نفتی بر تولید در اقتصاد ایران نامتقارن است و به نظر می رسد اثر مخرب شوک های منفی نفتی بر تولید در بلندمدت به مراتب از اثرات شوک های مثبت بزرگتر است. (امامی و ادیب پور، ۱۳۹۰)

در مقاله ای طبیبیان با استفاده از یک مدل اتورگرسیو برداری به مطالعه رابطه درآمدهای نفتی و متغیرهای تورم، حجم پول، تولید ناخالص داخلی و مخارج دولتی پرداخت و نشان داد که در ایران درآمدهای نفتی بر این متغیرها تاثیر دارد. (طبیبیان، ۱۳۷۴)

صمدی امین آبادی آثار تکرانه های نفتی را بر متغیرهای کلان با استفاده از یک الگوی اقتصاد کلان و داده های سالانه (۱۳۵۰-۱۳۷۱) مورد مطالعه قرار داده است. در این پژوهش، یک الگوی شبیه سازی متشکل از یک سیستم معادلات همزمان، مشتمل بر ۱۵ معادله به منظور بررسی تاثیر درآمد نفت بر متغیرهای عمده اقتصادی تدوین شده است. نتایج بدست آمده از سیاست گذاری های انجام شده نشان می دهند در مواقعی که دولت با افزایش درآمدهای نفتی مواجه است صرف نظر از نوع سیاست های ارزی اعمال شده، (هر چه حساسیت مخارج عمرانی دولت نسبت به مخارج کل دولت بالاتر باشد)، شاخص های مهم اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی و سرمایه گذاری بهبود نسبی یافته اند و بالعکس زمانی که دولت با کاهش درآمدهای نفتی مواجه می شود و مخارج کل دولت کاهش می یابد هرچه کشش مخارج عمرانی نسبت به مخارج کل کمتر باشد، شاخص های فوق روند بهتری را طی می کنند. (صمدی امین آبادی، ۱۳۷۸)

ارسلانی در مطالعه ای به بررسی نقش و اهمیت نفت و درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران و ارتباط آن با متغیرهای کلان پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان دهنده این است که تولید ناخالص ملی با افزایش و کاهش قیمت نفت تحت تاثیر قرار گرفته و به علاوه، درآمدهای ارزی و درآمد بودجه عمومی دولت نیز تابع نوسان های قیمت نفت میباشند. به طوری که با بالا رفتن قیمت نفت، درآمدهای ارزی ناشی از نفت و به تبع آن کل دریافتی های ارزی و همچنین درآمد بودجه عمومی دولت افزایش می یابد و با کاهش قیمت نفت نیز درآمد عمومی بودجه کاهش می یابد. (ارسلانی، ۱۳۸۰)

۴,۲. کاهش درآمدهای ارزی کشور

به جهت محاسبه کسری بودجه احتمالی دولت در نتیجه کاهش درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام لازم است تا ابتدا توضیح مختصری از چگونگی و میزان حضور نفت در بودجه بر اساس قانون بودجه مصوب سال ۹۱

ارائه شود و سپس به کمک آمارهای موجود از میزان کاهش صادرات نفت خام و میعانات گازی از یک سو و تغییرات و نوسانات قیمت نفت از سوی دیگر، محاسبات مربوط به نوسانات بودجه انجام گیرد.

۴,۲,۱. اثرات کاهش درآمدها بر بودجه دولت

دولت به معنای عام و در واقع حاکمیت وظایف مصوبی دارد که این وظایف به موجب قانون بر عهده اش قرار می گیرد. دولت برای انجام این وظایف نیاز به درآمد دارد تا بتواند به وظایف قانونی اش عمل نماید. دولت هر ساله به منظور انجام این وظایف مصوب، برنامه بودجه ای را تقدیم مجلس می نماید مبنی بر اینکه پیش بینی درآمدها در سال آینده به چه میزان و از چه محلی خواهد بود و این درآمدها برای چه اموری و به چه میزان هزینه خواهند شد. دولت می تواند جهت گیری هایی را نیز در بودجه از جمله اینکه تورم به چه میزان باشد و یا سطح بیکاری چه تغییراتی نماید و مواردی از این قبیل، لحاظ نماید

بر اساس قانون محاسبات عمومی، بودجه کل کشور به دو قسمت طبقه بندی می شود:

الف) بودجه عمومی دولت که اعتبار آنها از محل منابعی همانند مالیات و درآمدهای نفتی تامین می شود.

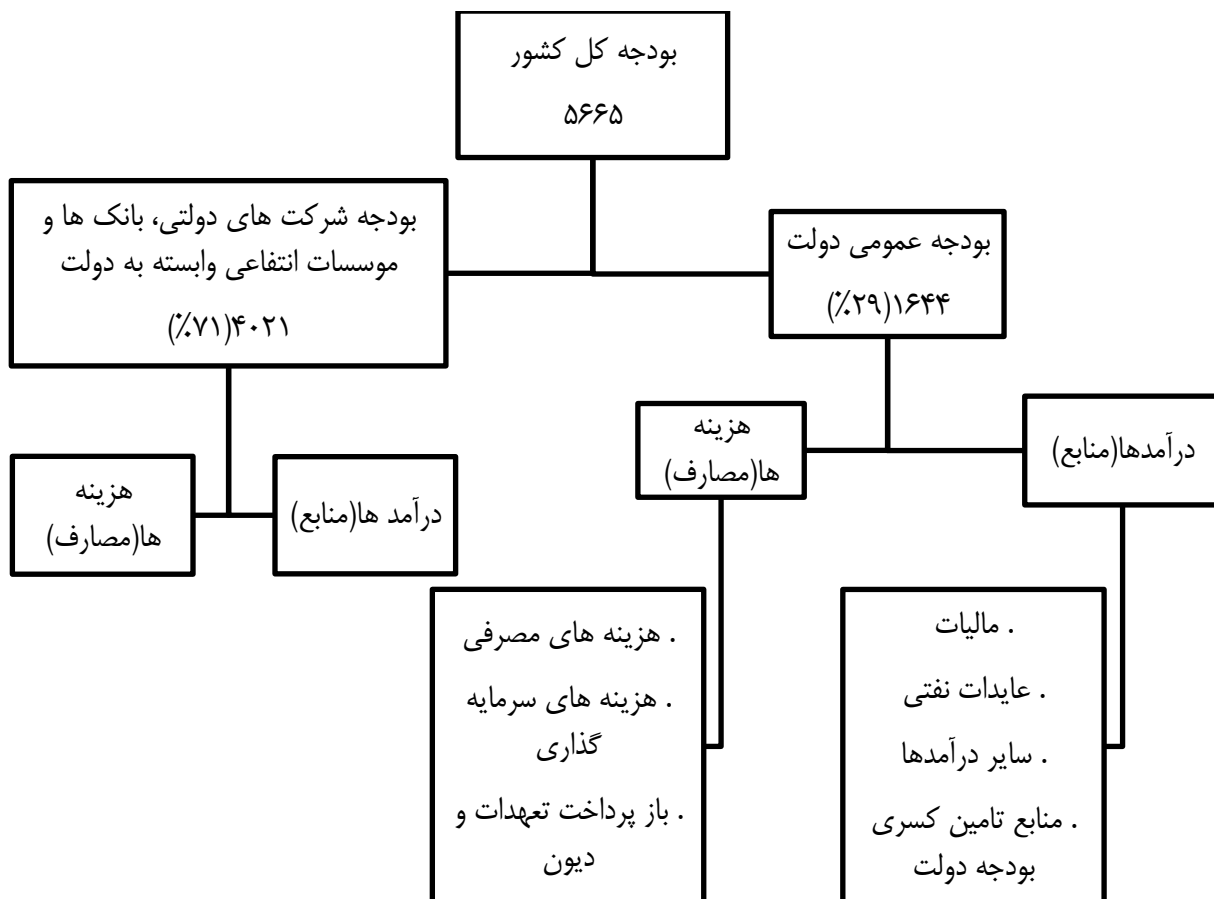
ب) بودجه شرکت ها، بانک ها و موسسات غیرانتفاعی وابسته به دولت که اعتبارات آن از محل فروش کالا یا خدمت ارائه شده توسط خودشان تامین می شود.

در شکل شماره ۲ شمایی کلی از چگونگی تخصیص بودجه کل کشور در سال ۹۱ ارائه گردیده است. (بودجه

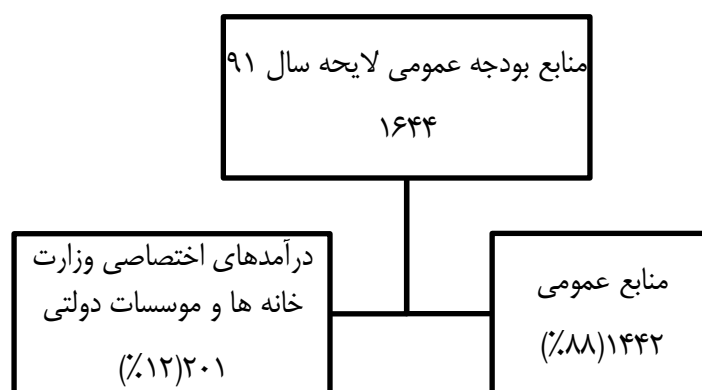
مصوب سال ۹۱)

کل بودجه مصوب سال ۹۱ کشور ۵۶۶۵ هزار میلیارد ریال است که معادل ۴۶۲ میلیارد دلار^{۳۰} می شود که حدود ۲۹٪ از آن که برابر ۱۳۴ میلیارد دلار (۱۶۴۴ هزار میلیارد ریال) است متعلق به بودجه عمومی دولت و مابقی را بودجه شرکت های دولتی تشکیل می دهد. (بر اساس لایحه پیشنهادی دولت و گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی). براساس تقسیم بندی که از منابع بودجه عمومی می شود بخش اعظم از این منابع حاصل از منابع عمومی است و حدود ۱۲٪ آن مشتمل بر درآمدهای اختصاصی وزارت خانه ها و موسسات دولتی می باشد که به روشنی در شکل شماره ۲ نمایان است.

^{۳۰} به دلار ۱۲۲۶ تومان محاسبه شده است.



شکل شماره ۳. شمایی از تقسیم بندی بودجه کل کشور (ارقام به میلیارد ریال درج شده است)



شکل شماره ۴. منابع تامین بودجه عمومی (ارقام به میلیارد ریال درج شده است)

قانون بودجه کل کشور در سال ۹۱ بر اساس متوسط قیمت هر بشکه نفت خام معادل ۸۵ دلار، صادرات ۲,۳۴ میلیون بشکه نفت خام در روز، صادرات ۱۱,۸ میلیون متر مکعب میعانات گازی در سال و قیمت هر تن میعانات گازی معادل ۸,۳ برابر قیمت هر بشکه نفت خام و نرخ تسریع ارز ۱۲۲۶۰ ریال به ازای هر دلار تنظیم شده است. بر اساس فروض مذکور، سهم منابع ناشی

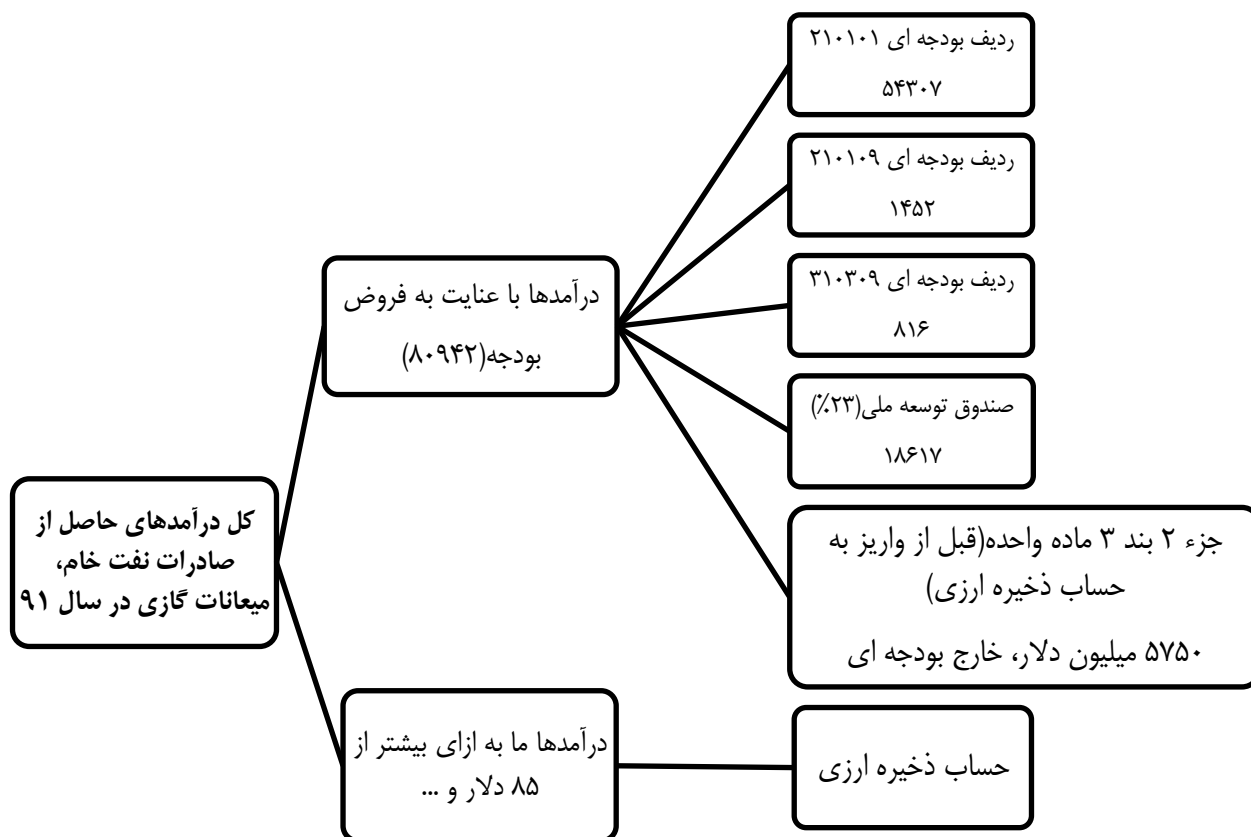
از نفت از کل منابع عمومی بودجه عمومی دولت از ۳۷,۶ درصد بر اساس ارقام مصوب بودجه ۱۳۹۰ به ۴۸,۱ درصد در قانون بودجه سال ۹۱ افزایش یافته است.

کل منابع ناشی از صادرات نفت خام و میعانات گازی به شکل زیر می باشد:

$۷۲۵۹۹ = ۸۵ * ۳۶۵ * ۲,۳۴$ = ارزش نفت خام صادراتی (میلیون دلار)

$۸۳۴۳ = ۸,۳ * ۸۵ * ۱۱,۸$ = ارزش میعانات گازی صادراتی (میلیون دلار)

کل ارزش نفت خام و میعانات گازی صادراتی به ازای ۸۵ دلار = ۸۰۹۴۲ میلیون دلار



شکل شماره ۵. توزیع منابع حاصل از فروش نفت خام، میعانات گازی (ارقام به میلیارد دلار)

توضیحات:

ردیف بودجه ای ۲۱۰۱۰۱ = درآمد حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی
 ردیف بودجه ای ۲۱۰۱۰۹ = دو درصد فروش نفت خام برای مناطق نفت خیز و محروم
 ردیف بودجه ای ۳۱۰۳۰۹ = استفاده از حساب ذخیره ارزی جهت مقاوم سازی مدارس

۴,۲,۲. اثرات کاهش درآمدها بر منابع شرکت ملی نفت ایران

تأثیر تحریم اقتصادی آمریکا بر روی جلب سرمایه گذاری خارجی، به ویژه در صنعت نفت قابل توجه است. تا سال ۱۹۹۰ به دلیل جنگ و وضعیت سیاسی کشور، میزان سرمایه گذاری خارجی در ایران بسیار ناچیز بود. پس از پایان جنگ، در دهه ۹۰ دولت جمهوری اسلامی بمنظور سرمایه گذاری در صنعت نفت اقدامات متعددی را برای جلب سرمایه گذاری خارجی آغاز نمود. اما تحریم اقتصادی آمریکا، به ویژه قانون تحریم ایران- لیبی موفق شد تا این اقدامات را به میزان قابل توجهی خنثی سازد و سرمایه گذاری در صنعت نفت ایران را تا اواخر دهه ۹۰ به تأخیر اندازد. پس از مه ۱۹۹۸ قانون تحریم ایران- لیبی به تدریج کارآیی خود را از دست داد و توسط شرکت های خارجی نادیده گرفته شد. با این همه تحریم اقتصادی آمریکا هزینه سنگینی را بر بخش نفت ایران وارد کرده است. تحریم آمریکا سبب شد تا شرکت های خارجی با محافظه کاری بسیار بیشتری با پروژه های ایرانی برخورد کنند و ایران را مجبور ساخت تا برای جلب شرکت های خارجی امتیازهای بیشتری به آنها بدهد. طی دهه ۹۰، به دلیل افت سرمایه گذاری در صنعت نفت، تولید نفت ایران نزدیک به ۳۰۰ هزار بشکه در روز زیر حد مورد انتظار بود. این امر زیان قابل توجهی را بر کشور تحمیل کرد، به ویژه آنکه ایران نتوانست از احیا بازار نفت در پایان دهه ۹۰ بهره برداری مطلوب را بعمل آورد. افزون بر این، تحریم آمریکا به منافع ایران در میدان های نفت و گاز دریای خزر، زیان هنگفتی وارد آورده است. اگر تحریم اقتصادی آمریکا نتوانست جریان سرمایه گذاری خارجی در حوزه های نفتی خلیج فارس ایران را کاملاً متوقف سازد، تأثیر آن بر روی توسعه میدان های نفت و گاز ایران در دریای خزر و منافع استراتژیک ایران در این حوزه بسیار پر هزینه بوده است.

در این حوزه می توان از طریق تخمین مقدار کاهش صادرات نفت خام، کاهش درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام را اندازه گیری نمود و سپس از طریق محاسبه سهم ۱۴,۵٪ شرکت ملی نفت از صادرات نقدی نفت خام و میعانات گازی با قیمت پایه ۸۵ دلار برای سال ۹۱، میزان کاهش درآمدهای وزارت نفت را محاسبه نمود که اثر مستقیمی در کاهش سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز کشور خواهد گذاشت. مساله ثانوی در این باب کاهش درآمدهای دولت از محل صادرات نفت خام، میعانات گازی می باشد که ممکن است با وجود شرایط و مفروضات بوده و وابستگی بودجه به نفت، حتی منابع جاری دوت را نیز دچار نوسان نماید و از این مسیر سهم ۱۴,۵٪ شرکت ملی نفت در اولویت ثانوی قرار گرفته و به تأمین مخارج جاری دوت اختصاص یابد. در این بخش توضیح مفصلی از بوده مصوب سال ۹۱ الزامی می باشد.

۴,۳. منع شرکت های بزرگ و چندملیتی از سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز کشور

در این بخش نیز لازم است تا با بررسی دقیق مفاد قطعنامه ها عنوان گردد که بر اساس آن سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز کشور ممنوع گردیده و از طرف دیگر تأمین مالی و تکنولوژیک هم دچار مشکل شده است و از طرف دیگر بایستی نیاز صنعت نفت و گاز کشور جهت افزایش ظرفیت و نگه داری تولید تبیین شود تا یک پیش بینی دقیق از اثر این بخش بر تحریم ها مورد محاسبه قرار گیرد.

۵. سناریوهای مقابله با تحریم نفتی

به طور کلی می توان چند سناریو برای برون رفت از شرایط فعلی در نظر گرفت، در ذیل هر یک از سناریو ها به شکل مختصر توضیح داده شده است. به نظر نگارنده با توجه به شرایط بین الملل و روند لغو تحریم ها، اتخاذ رویکرد اقتصاد مقاومتی بر اساس اصلاح بودجه و کاهش وابستگی به نفت بایستی در اولویت امور اصلاحی و اجرایی قرار گیرد. لکن به منظور بررسی علمی و حقوقی هریک از سناریوها مورد بررسی قرار گرفته و نقاط قوت و ضعف آن مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۵.۱. رویکرد مذاکره و سازش جهت لغو تحریم ها

نشستن پای میز مذاکره و رسیدن به توافق زمانی ضمانت اجرایی لازم را دارد که طرفین بر حل مساله تاکید داشته باشند. لکن رفتارهای اخیر ایالات متحده این مساله را نشان نمی دهد. بر اساس رفتارهای اخیر ایالات متحده هدف اصلی غرب که سرنگونی جمهوری اسلامی ایران میباشد بیش از پیش خود را نشان میدهد: مارک دبوویتز در ۱۷ می ۲۰۱۲ در نطق خود در کنگره که مورد تصویب نمایندگان نیز قرار گرفت تغییر استراتژی آمریکا در رسیدن به توافق هسته ای با ایران را اینگونه بیان میکند: "ریس جمهور ملزم به تصریح این مطلب در سیاست های آمریکا در قبال ایران است که ایران دارای قابلیت دستیابی به تسلیحات هسته ای، غیرقابل پذیرش بوده و سیاست مهار ایران در دستیابی به تسلیحات هسته ای باید کنار گذاشته شود"^{۳۱}

همانگونه که بیان شد، هدف آمریکا سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی ایران میباشد، بنابراین هر زمان که مذاکرات به توافق نزدیک میشود خط توافق را دورتر گذاشته و تحریم ها را تشدید می نماید. در جدول شماره ۸ فهرست تحریم های نفتی از ابتدا آورده شده است. نحوه لغو تحریم ها نشان میدهد که بسیاری از دستورالعمل های تحریم ایران به یک قانون تبدیل شده و به تصویب کنگره رسیده اند و به این معنی است که لغو این تحریم ها هم نیاز به دستور ریس جمهور و هم تصویب کنگره دارد که با توجه به شرایط سیاسی کنگره امریکا عملا شرایط لغو تحریم ها را بسیار سخت می نماید. از طرف دیگر در بسیاری از قوانین فوق جهت لغو تحریم ها پیش شرط هایی وضع گردیده است که احصا آن بعضا غیر ممکن است (به عنوان مثال اعلام برائت ایران از جنبش حزب الله لبنان و عدم کمک مالی و معنوی به آن). در ادامه شرایط لغو تحریم ها به تفصیل مورد بررسی قرار می گیرد.

^{۳۱} بیان تشخیص مجلس نمایندگان در مورد اهمیت جلوگیری ایران از دستیابی به قابلیت تولید تسلیحات هسته ای (H. RES.568)، ۱۷ می ۲۰۱۲، کنگره آمریکا

ردیف	نوع تحریم	اهداف	تاریخ	نحوه لغو تحریم
۱	قانون تحریم های ایران ^{۳۲}	جهت فشار بر افراد و نهادهایی که به توسعه بخش نفت و گاز ایران کمک می نمایند	1996/۰۸/۰۵	نیازمند قانون کنگره و موافقت ریس جمهور
۲	قانون حمایت از آزادی ایران ^{۳۳}	تحریم سرمایه گذاری و کمک های مالی به ایران و ...	۲۰۰۶/۰۹/۳۰	نیازمند قانون کنگره و موافقت ریس جمهور
۳	قانون تحریم های جامع علیه ایران ^{۳۴}	اعمال تحریم بر شرکت هایی که اقدام به هرگونه مبادله مالی با ایران بنمایند و	۲۰۱۰/۰۷/۰۱	نیازمند قانون کنگره و موافقت ریس جمهور
۴	قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲ ^{۳۵}	تحریم هر بانک خارجی که به هرگونه مبادله مالی با بانک مرکزی ایران بپردازد(نقل و انتقال درآمدهای حاصل از فروش نفت)	۲۰۱۱/۱۲/۳۱	نیازمند قانون کنگره و موافقت ریس جمهور
۵	فرمان اجرایی ۱۳۵۹۰	اعمال تحریم های خاص بر افرادی که به تهیه کالا، خدمات، تکنولوژی و یا حمایت از بخش انرژی و نفتی ایران می پردازند	۲۰۱۱/۱۱/۲۰	از طریق دستور اجرایی ریس جمهور
۶	قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه ^{۳۶}	توسعه تحریم های بخش انرژی در فروش و بازاریابی و حمل و نقل کالایی و انتقالات مالی	۲۰۱۲/۰۸/۰۱	نیازمند قانون کنگره
۷	قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۳ ^{۳۷}	نفت در برابر غذا	۲۰۱۲/۰۱/۰۲	نیازمند قانون کنگره و موافقت ریس جمهور

جدول شماره ۸. مهمترین تحریم های نفتی و نحوه لغو آن

۵.۱.۱. مجاری لغو و یا تعدیل تحریم ها از سوی دولت(لغو تحریم ها در کوتاه مدت)

۵.۱.۱.۱. اختیارات رییس جمهور در نحوه اجرا و معاف نمودن

اصولا رییس جمهور آمریکا از اختیارات بالایی در کاهش تحریم ها علیه هر کشوری، از جمله ایران برخوردار است، البته با توجه به ماهیت قانونی بودن اکثر تحریم های ایران اختیارات رییس جمهور تاحدی محدود شده است ولی در این حالت نیز رییس جمهور از اختیارات قابل توجهی در زمینه اجرا یا عدم اجرای این قوانین با توجه به منافع آمریکا برخوردار است.

۵.۱.۱.۲. اختیارات تحت IEPPA/فرمان های اجرایی

کلیه تحریم هایی که با احکام اجرایی روسای جمهور آمریکا اعمال گردیده می تواند با حکم اجرایی رییس جمهور این کشور لغو گردد.

³² Iran sanction act(P.L. 104-172)

³³ Iran Freedom Support Act (ILSA) (P.L. 109-293)

³⁴ Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010 (CISADA, P.L. 111-195)

³⁵ FY2012 National Defense Authorization Act (NDAA, P.L. 112-81)

³⁶ Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012 (H.R. 1905 (P.L. 112-158)

³⁷ FY2012 National Defense Authorization Act (NDAA, P.L. 112-81)

۵,۱,۱,۳. اختیارات دولت در تشخیص مصادیق

در بسیاری از موارد دولت این اختیار را دارد تا اعمال برخی از موارد تحریمی را آغاز یا دست نگه دارد، اشخاص یا نهادها را تحت شمول تحریم قرار دهد یا خارج کند.

۵,۱,۱,۴. اختیار ابطال

عمدتاً قوانین تحریمی علیه ایران از جمله کلیه مفاد "قانون تحریم های ایران" و قانون تحریم ها علیه بانک مرکزی، اختیارات قابل توجهی به رئیس جمهور آمریکا داده اند تا وی قادر باشد بر اساس منافع ملی آمریکا از اجرای برخی از آن ها صرف نظر کند.

۵,۱,۱,۵. لغو محدودیت های تجاری

تحریم های مرتبط با تجارت و سرمایه گذاری در ایران اولین بار توسط رئیس جمهور در ماه مارس سال ۱۹۹۵ صادر شد و هر ساله در قالب فرمان های اجرایی با فرمان رئیس جمهور تمدید می گردد. بدیهی است که لغو آن ها نیز با فرمان اجرایی رئیس جمهور امکان پذیر است.

۵,۱,۲. مجاری لغو و یا تعدیل تحریم ها از سوی کنگره (لغو تحریم ها در بلند مدت)

۵,۱,۲,۱. لغو قانون تحریم های ایران

این قانون به عنوان یکی از محوری ترین قوانین تحریمی علیه ایران، معیارهای را که باید از سوی ایران احراز و از سوی رئیس جمهور آمریکا تصدیق گردد تا این قانون لغو شود را مشخص نموده است:

الف) توقف تلاش ها برای طراحی، توسعه و تامین بمب های هسته ای، سلاح های شیمیایی/بیولوژیکی و تکنولوژی مربوط به ساخت و تولید موشک های بالستیک

ب) خروج از لیست سیاه کشورهای حامی تروریسم

ج) عدم احتساب به عنوان تهدیدی جدی برای منافع امنیت آمریکا و متحدانش

د) حذف ایران از لیست کشورهای حامی تروریسم

رئیس جمهور می تواند با موافقت کنگره نام هر کشوری را از لیست کشورهای حامی تروریسم خارج کند بدین منظور رئیس جمهور باید کنگره قانع نماید که: (۱) ایران طی ۶ ماه گذشته هیچ گونه اقدامی در حمایت از تروریسم مرتکب نشده است (۲) تضمین های لازم را به آمریکا داده تا در آینده از اقدامات تروریستی حمایت نکند. در صورتی که درخواست رئیس جمهور با مخالفت کنگره مواجه شود رئیس جمهور این حق را خواهد داشت تا این مخالفت را وتو کند.

تصمیم رئیس جمهور به چنین امری مستلزم آن است که وی ۴۵ روز پیش از اقدام کنگره را در جریان چنین موضوعی قرار دهد. به این بازه زمانی دوره انتظار می گویند. بدیهی است که هر گونه توافق در این خصوص مستلزم عدم حمایت ایران از گروه های مقاومت حزب الله و حماس در لبنان و فلسطین می باشد.

۵,۲. سناریوی دور زدن تحریم ها و حفظ حداکثری میزان تولید و صادرات

- ایجاد شرکت های پوششی که نفت ایران را به فروش برسانند
- فروش نفت به مردم در قالب قرار دادهای آتی و هزینه کرد درآمدهای حاصل از آن برای ساخت هر چه سریعتر پالایشگاه های نیمه تمام داخلی جهت داخلی سازی مصرف نفت و ایجاد تعادل در بودجه
- ایجاد شهرک های پالایشگاه ی کوچک جهت داخلی سازی سریعتر صادرات نفت خام و تلاش جهت صادرات فرآورده های پتروشیمی
- دانستن این نکته الزامی است که فروش نفت خام به جهت مشخص بودن ویژگی های نفت خام و حجم فروش بسیار سخت تر از فروش فرآورده های حاصل از نفت خام است. چراکه آنها به مصرف کننده نهایی^{۳۸} نزدیکتر بوده و در حجم پایین و در قالب فروش به کشورهای همسایه کاملاً امکان پذیر است.
- راهکار دیگر خرید پالایشگاه، پمپ بنزین و پتروشیمی در کشورهای هم پیمان و دوست است. از این طریق می توان نفت خام را به آنجا صادر نمود و فرآورده را به فروش رساند.

۵,۳. مقاوم سازی اقتصاد(با فرض اصلاح بودجه و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی)

قبل از اینکه به تبیین راهکارهای اصلاح ساختار بودجه پرداخته شود لازم است ساختار دولت و بخش خصوصی حاصل از اقتصاد نفتی در گذشته را مورد واکاوی قرا دهیم تا معلوم شود در ارائه راهکار بایستی از کجا شروع کرد.

وقتی تاریخچه کشورهای عمده نفتی به جهت وابستگی به درآمدهای نفتی مورد بررسی قرار می گیرد، وابستگی شدید توسعه اقتصادی این کشورها به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام به خوبی نمایان است. در ایران نیز وضع به همین منوال بوده است. وابستگی بودجه دولت به این درآمدها شروع ناکارآمدی دولت است. دولت ناکارآمد به دلیل ویژگی ناکارآمدی، پتانسیل بالایی جهت گسترش فیزیکی دارد، چرا که قصد دارد هر ناکارآمدی را با تاسیس یک نهاد دولتی دیگر جبران نماید. به همین دلیل با وجود آنکه مرتباً صحبت از کوچک سازی دولت می شود، رفتار دولت در عمل افزایش حجم و اندازه خود خواهد بود و این به جهت قانونمندی داخلی ناشی از ناکارآمدی دولت است.

افزایش بودجه دولت(جاری و سرمایه ای) و افزایش نقدینگی طی سالیان متمادی خود شاهدهی جدی بر این مدعاست.

در مورد بخش خصوصی نیز وضع به همین منوال است. چرا که به جهت استفاده از رانت دولتی ناچار به استفاده از وابسته شدن به دولت است. فلذا بخش خصوصی داریم که عمده فعالیتش اگر در بخش دلالی و واسطه گری نباشد در حوزه واردات است. در نتیجه ی این دولت و بخش خصوصی ناکارآمد فرهنگ خاصی ایجاد شده که در آن نه نقد کارشناسی وجود دارد و نه جریان طبیعی اطلاعات رشد می کند. فرهنگی است که در آن همه چیز محرمانه تلقی می شود و نقدها تعبیر به جناح بندی سیاسی می شود. جالب است که این فرهنگ آن سیستم را تقویت می نماید و آن سیستم این فرهنگ را.

بنابه آنچه گفته شد تحریم نفتی فوق به جهت جبری که در کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام ایجاد نموده فرصتی تاریخی محسوب می شود تا مسئولین بتوانند به باز تعریف نقش و وظایف دولت و بخش خصوصی بپردازند.

در نظام جدید باید به دنبال ارائه رهکارهایی گشت که بنا به فرمایشات مقام معظم رهبری زمینه ساز ایجاد یک اقتصاد مقاومتی واقعی گردد. اصلاح نظام بودجه ای کشور با توجه به شرایط فوق امری الزامی است. به طور کلی می توان راهکارهای اصلاح نظام بودجه ای را در دوبخش کلی تقسیم بندی نمود:

۵,۳,۱. راهکارهای ناظر بر کاهش هزینه های دولت

- کاهش هزینه های دولت در بخش های نفت و گاز از طریق استفاده ز نقدینگی سرگردان بر اساس بعضی از آمارها حدود ۱۲۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی سرگردان در کشور در اختیار مردم قرار دارد که به علت ناتوانی نهادها و سازوکارهای موجود در جذب آن، این نقدینگی به یک عامل ضربه زننده به اقتصاد تبدیل شده و هر از چندگاهی از طریق ایجاد نوسانات جدی در بازارهای مسکن، طلا، ارز و ... خود را به نمایش می گذارد. در این صورت اگر بتوان راهکارهایی جهت مهار و جذب این نقدینگی سرگردان طراحی نمود می توان بخش مهمی از هزینه های دولت را در بخش های عمرانی و نفت و گاز کاهش داد. بخشی از این راهکارها ناظر به استفاده از سهام پروژه است.
- مردمی کردن اقتصاد و لزوم توجه بیشتر به اصل ۴۴ قانون اساسی
- ایران در طول سالیان متمادی همواره از دولتی بزرگ که مانع رشد بخش خصوصی بوده و ناکارآمدی وسیع و گسترده را همراه با خود داشته آسیب دیده است. این کاهش در درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام فرصت خوبی فراهم نموده تا دولت از طریق مردمی کردن اقتصاد خود را به سطح قاعده گذاری و تنظیم سیاست کشانده و اداره اقتصاد را در حوزه اجرا به مردم واگذار نماید.
- کاهش هزینه های دولت از طریق تسریع در واگذاری ها
- کاهش مصرف دولت به عنوان یکی از بزرگترین مصرف کننده ها در اقتصاد
- اصلاح بودجه بر اساس اولویت بخشیدن به اقتصاد دانش بنیان

۵,۳,۱,۱. راهکارهای ناظر بر جبران درآمدهای دولت از طرق دیگر

۵,۳,۱,۱,۱. هدف مند نمودن نظام مالیاتی

۵,۳,۱,۱,۱,۱. شفاف سازی فرآیند کسب درآمد

دستیابی به اطلاعات از طرق غیر مستقیم مثل ایجاد نظام رتبه بندی افراد و نهادها و اعطای وام و مجوز به آنها بر اساس رتبه ی مکتسبه، از طریق چنین مکانیزم هایی و همچنین اتصال و شبکه نمودن اطلاعات افراد در بخش های مختلف مانند شبکه بانکی، سیستم اعطای مجوز و دفاتر ثبت اسناد و می توان به اطلاعات صحیحی در مورد میزان درآمد افراد دست یافت و از طریق دریافت مالیات از آنها درآمد مالیاتی دولت را افزایش داد. توجه نمودن به این نکته الزامی است که در بسیاری از موارد، در کشورهایی با ساختار نفتی افزایش مالیات به جهت شفاف نبودن فرآیند کسب درآمد و نبود اطلاعات صحیح متوجه قشر کم درآمد

شده و تنها منجر به افزایش نارضایتی عمومی می گردد. لکن تصحیح فرآیندهای کسب اطلاعات قطعا موج خواهد شد افراد ثروتمندی که به عناوین مختلف از پرداخت مالیات فرار می نمایند شناسایی شده و درآمد مالیاتی دولت را در بخش فوق که بیشترین منفعت را از فرصت های اجتماعی کسب می نمایند افزایش دهد.

۵,۳,۱,۱,۱,۲. اقدام به دریافت مالیات های جدید با هدف گیری اقشار پردرآمد

یکی دیگر از راهکارهای اصلاح نظام مالیاتی با این رویکرد که به اقشار آسیب پذیر ضربه کمتری وارد آید دریافت مالیات های هوشمند می باشد. تعریف این نوع مالیات ها هم می تواند به ثروت های تجمع یافته جهت دهد و هم از انباشت ثروت در بخش ها غیر مولد اقتصاد جلوگیری به عمل بیاورد. یکی از انواع این نوع مالیات ها، مالیات بر زمین و مسکن اضافی شهروندان با مکانیزمی مشخص است..

۵,۳,۱,۱,۲. ارائه رانت های موجود در اقتصاد به بخش خصوصی

یکی دیگر از محل های درآمد زایی برای دولت می تواند ارائه رانت های در دست دولت به بخش خصوصی باشد. لکن سوالی که مطرح می گردد این است که از چه طریقی رانت های مورد اشاره به بخش خصوصی محدود تعلق پیدا کند؟ همانطور که از تعریف رانت نیز مشخص می باشد. ارائه فرصت های محدود که در نگاه کلان به کل جامعه تعلق دارد به بخشی از جامعه که آن را بخش خصوصی می نامیم اگر با مکانیزم صحیحی انجام نگیرد قطعا فسادآور بوده و به دور از عدالت صورت می پذیرد. پیشنهاد می شود ارائه رانت های فوق به بخش خصوصی بر اساس منفعتی تعلق گیرد که آن بخش حاضر است به جامعه برساند. به عبارتی در رقابت میان دولت و بخش های خصوصی، رانت به مجموعه ای تعلق می گیرد که از مسیر استفاده از رانت مورد اشاره بیشترین منفعت را عاید جامعه نماید.

۶. جمع بندی و نتیجه گیری

فهرست منابع و مآخذ

۱. ارسلانی، علی (۱۳۸۰)، تاثیر قیمت نفت بر متغیرهای کلان ایران طی (۱۳۴۲-۱۳۷۹)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲. اسماعیلی، بابک (۱۳۸۷). شکست تروریسم مالی غرب علیه ایران؛ تعامل در تقابل، روزنامه کیهان، <http://vista.ir/article/>
۳. اقبالی، علیرضا، گسکری، ریحانه و حمیدرضا حلافی (۱۳۸۴)، "بی ثباتی صادرات نفت و رشد اقتصادی در ایران"، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران
۴. امامی، کریم و مهدی ادیب پور (۱۳۹۰)، بررسی آثار نامتقارن شوک های نفتی بر تولید، فصلنامه مدل سازی اقتصادی، سال سوم، شماره ۴، صص ۱-۲۶
۵. بانک اطلاعاتی سری های زمانی اقتصادی بانک مرکزی، اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی، www.tsd.cbi.ir

۶. بانک اطلاعاتی اداره اطلاعات انرژی آمریکا، www.eia.gov
۷. دورنبوش، رودیگرو فیشر استانی (۱۳۷۸)، اقتصاد کلان، ترجمه محمد حسین تیزهوش تابان، تهران: انتشارات سروش، چاپ سوم.
۸. صمدی امین آبادی، وحید (۱۳۷۸)؛ تجزیه تحلیل اثرات شوکهای نفتی بر متغیرهای کلان اقتصاد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تحصیلات تکمیلی.
۹. طبیبیان، محمد و داوود سوری (۱۳۷۴)، "بررسی تاثیر تکانهای درآمد نفت، حجم پول و مخارج دولت بر متغیرهای اقتصادی"، گزارش تحقیقی، موسسه عالی پژوهش در توسعه و برنامه ریزی.
10. Iran Project, 2012, Weighing Benefits and Costs of International Sanctions Against Iran, the iran project, 68
11. Blair, P.C and M. Jansson, 2012, Sanctions, Military Strikes, and Other Potential Actions against Iran, FAS Special Report, 10-17
12. Corden, W. M., Neary, J. P., 1982. Booming Sector and De-industrialisation in a Small Open Economy. *The Economic Journal*, 92, 829-831.
13. Corden, M.W., 1984. Booming Sector and Dutch Disease Economics: Survey and Consolidation, *Oxford Economic Papers*, 36, 359-380.
14. Dubowitz, mark (2012), battle rial, www.foreignpolicy.com/articles/2012/06/28/battle_rial
15. Dubowitz, mark (۲۰۱۱), Progress of the Obama Administration's Policy Toward Iran , www.defenddemocracy.org/.../progress-of-the-obama-adminis
16. Ferrier Ronald,(1982), *The History of the British Petroleum Compan, Cambridge University Press*, 454
17. Mehara. M (2008): The asymmetric relationship between oil revenues and economic activities: The case of oil-exporting countries. *Energy Policy*. No 36.
18. Jimenez-Rodriguez, R. and M. Sanchez (2005): Oil price shocks and real growth: Empirical evidence for some OECD countries, *Applied Economics* 37, 201-228.
19. International Monetary Fund (2012), *World Economic outlook: Growth Resuming, Dangers Remain*, 10-100
20. Katzman, kenneath (2012), Iran Sanction, Congressional Research Service, RS20871, 1-20
21. Wijenberg, V., 1984. Inflation, Employment, and the Dutch Disease in Oil-exporting Countries: A short-run Disequilibrium Analysis, *Quarterly Journal of Economics*, 99(2), 233-250.